

فرهنگ اعتمادساز در اندیشه دینی و نقش آن در توسعه اقتصادی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۰/۲۷ تاریخ تأیید: ۸۸/۱/۳۰

محمدنقی نظرپور**

مصطفی منتظری مقدم***

چکیده

یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد است. با عنایت به اینکه بیشتر مطالعه‌های سرمایه اجتماعی در پی کشف، شناسایی معیارها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی منطبق با فرهنگ اسلامی نبوده‌اند. این نوشتار با مراجعه به متن‌های اسلامی، مفهوم اعتماد را شناسایی و نقش آن را در توسعه اقتصادی ترسیم می‌کند. این کوشش گامی در تدوین نظریه سرمایه اجتماعی در اندیشه دینی قلمداد می‌شود. این پژوهش به روش توصیفی، تحلیل محتوا و با استفاده از منابع معتبر، در پی آزمون این فرضیه است که در صورت نهادینه شدن مؤلفه‌ها و نماگرهای سرمایه اجتماعی از دیدگاه اسلام، بستر مناسب برای توسعه اقتصادی محقق خواهد شد. تاکید بر برپایی قسط و دادگری در بین مردم، سفارش به راست‌گویی، امانت‌داری و وفای به عهد، تاکید فقه اسلامی بر اصل اعتماد از راه قاعده‌هایی مانند: اصاله‌الصحه، ید و سوق المسلمین و

*. این مقاله برگرفته از طرح «شناخت سرمایه اجتماعی از دیدگاه اسلام و نقش آن در توسعه اقتصادی و ارایه راهبردهایی برای برنامه پنجم توسعه» به سفارش مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی است که در انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمی قم به انجام رسید.

Email: nazarpur@mofidu.ac.ir

** استادیار دانشگاه دانشگاه مفید.

Email: montazeri_moghadam@yahoo.com

*** کارشناس ارشد علوم اقتصادی.

بیان دستورهای روشن درباره آداب معامله‌ها مانند: نهی از کاستن بهای کالا و کار مردم، حيله‌گری در خرید و فروش، کم‌فروشی با پیمانانه و ترازو، سو استفاده از بیت‌المال و توصیه به برآوردن نیاز مردم، نظامی را ترسیم می‌کند که در آن ارتباطها و کنش‌های جمعی با سهولت بیشتری صورت گرفته و اعتماد افراد جامعه را تقویت می‌کند. اعتماد پدید آمده در سایه ایده اسلامی می‌تواند با اثرگذاری بر کارایی بازار، دولت، کاهش فقر، توسعه مالی و سرانجام رشد اقتصادی، بسترهای مناسب توسعه اقتصادی را در جامعه فراهم کند.

واژگان کلیدی: اعتماد، سرمایه اجتماعی، اسلام، توسعه اقتصادی، فرهنگ اعتمادساز.

طبقه‌بندی JEL: O10, O20, Z13

مقدمه

اعتماد (Trust)، در جایگاه یکی از مؤلفه‌ها و نماگرهای اصلی نظریه سرمایه اجتماعی (Social Capital) مطرح است؛ به گونه‌ای که بسیاری از تحقیقات موجود در این باره، مفهوم اعتماد را مترادف با مفهوم سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرند. مروری بر مطالعه‌های این حوزه نیز نشان می‌دهد که مفهوم و نظریه سرمایه اجتماعی طی سال‌های ۱۹۹۰ به این سو، با اقبال قابل توجه اندیشه‌وران و محققان رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی روبه‌رو شد. مطالعه‌هایی که در دو دهه اخیر درباره این مفهوم صورت گرفته، حجم عظیم و گسترده‌ای از تولیدهای علمی رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی مانند: اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و ... را به خود اختصاص داده است. پژوهش‌ها و مقاله‌های گوناگون درباره سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی دامنه کاربرد و پژوهش بالقوه گسترده‌ای دارد.* به نظر می‌رسد توجه روزافزون جامعه علمی به موضوع سرمایه اجتماعی، گذشته از مدگرایی علمی و دانشگاهی، به ویژگی بین‌رشته‌ای و مفهوم پیچیده آن باز می‌شود.

گفته می‌شود استعاره مکرر به کار رفته در ادبیات سرمایه اجتماعی برای معرفی آن، یعنی «مهم نیست که چه می‌دانی، مهم آن است که چه کسی را می‌شناسی»، به‌طور دقیق بر آشنایی و نتیجه‌های حاصل از آن، که به‌طور عمده مفروض فایده‌مندی آن در اکثر مواقع

*. این دامنه گسترده از ملاحظه‌های نظری، تاریخی و فلسفی در رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی گرفته تا پدید ساختن شاخص‌های مناسب برای شرایط و مشکل‌های حوزه‌های گوناگون مانند بهداشت، خانواده، آموزش و تامین اجتماعی را در برمی‌گیرد (ر.ک: تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۲۷).

است دلالت دارد. از آنجا که کنش و واکنش‌های افراد در درون قالب‌های جمعی مانند: خانواده، گروه، سازمان، نهاد و در کلی‌ترین شکل آن ساختار اجتماعی رخ می‌دهد، چنین قالب‌هایی نیز حاوی سرمایه اجتماعی می‌شوند. از سوی دیگر، کنش‌های متقابل اجتماعی فقط در قالب رابطه‌های دو انسان با هم که ساده‌ترین نوع کنش و واکنش است، خلاصه نمی‌شود و در آن محدوده باقی نمی‌ماند و در چشم بر هم زدنی مجموعه‌ای در هم تنیده و متکثر از کنش‌ها و واکنش‌ها را پدید می‌آورد. از این رو، پای شبکه اجتماعی نیز به میان می‌آید. نقش هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در پی‌ریزی رابطه‌های متقابل اجتماعی، نیز مقوله‌ای است که سر رشته سخن را از مفهوم‌های اعتماد و صداقت به سرمایه اجتماعی می‌رساند.

در نکته‌های پیش گفته، برخی از مهم‌ترین مفهوم‌هایی که به هنگام سخن گفتن از سرمایه اجتماعی به کار می‌آیند، مطرح شده‌اند که هر یک اشکال فوق‌العاده متنوعی به خود می‌گیرند و شدت و گسترده‌گی گوناگونی دارند و معانی متفاوتی پیدا می‌کنند. بحث‌های پیرامون سرمایه اجتماعی آنچنان وسیع شده است که ناگزیر با تناقض‌های گوناگونی همراه شده و ابعاد و جوانب متعددی یافته است. سرمایه اجتماعی، ابزار سنجش رشد و توسعه اقتصادی، شکاف حکومت و مردم، بهداشت، جرم و جنایت و ده‌ها موضوع دیگر است. افزون بر آن، سرمایه اجتماعی مصداق‌ها و کارکردهای متنوعی دارد. از یک سو، به صورت متغیر مستقل به کار می‌رود و از سویی دیگر، به متغیری وابسته بدل می‌شود که محصول تغییرهای متغیرهای دیگر است (پیران و دیگران، ۱۳۸۵). بنابراین عنوان می‌شود نخستین گام در راه شناسایی سرمایه اجتماعی و عملیاتی کردن مفهوم آن، معین کردن مؤلفه‌ها و عنصرهای سرمایه اجتماعی است و در غیر این صورت سرمایه اجتماعی فقط به صورت مفهوم انتزاعی مطرح بوده و کاربرد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نخواهد داشت. از آنجا که اعتماد به صورت یکی از عنصرها و نماگرهای اصلی سرمایه اجتماعی مطرح است، در این نوشتار به بررسی مفهوم اعتماد و نقش آن در توسعه اقتصادی خواهیم پرداخت.

نکته قابل توجه اینکه، بیشتر مطالعه‌های صورت گرفته درباره سرمایه اجتماعی در کشورمان، در پی کشف و شناسایی معیارها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی که با فرهنگ دینی و ملی ما منطبق باشد، نبوده‌اند. سرمایه اجتماعی اگر وجهی نو یافته و انکارناپذیر از یک جامعه باشد، به الزام در تمام کشورها شکل و صورت واحدی ندارد. به بیان دیگر،

سرمایه اجتماعی حتی اگر مفهومی واحد باشد، به‌طور قطع مصداق واحدی در همه کشورهای ندارد و اقتضای سرمایه‌بودن آن این است که در هر جامعه‌ای متناسب با مقتضیات آن جامعه شکل بگیرد. هویت ملی، پیشینه تاریخی، باورها، دین، دردها و شادی‌های مشترک و سود و زیان‌های عمومی جامعه در چند و چون تولید سرمایه اجتماعی آن نقش دارد. بنابراین نمی‌توان میزان سرمایه اجتماعی در جامعه‌های گوناگون را با شاخص‌هایی یکسان سنجید. یکسان‌نگری در این‌گونه مفهوم‌ها و معیارها فقط در صورتی با معنا و قابل تصور است که خاستگاهی فراپشری و آسمانی داشته باشد و از منظری فراتر از قوم و سرزمین و نژادی خاص بدان نگریسته شود (الویری، ۱۳۸۲). به نظر می‌رسد عنایت به دستورها، احکام و قوانین دین مبین اسلام درباره نظریه سرمایه اجتماعی به‌طور عام و درباره مفهوم اعتماد (در جایگاه یکی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی) به‌طور ویژه، دستاوردهای مناسبی به همراه داشته باشد.

بنابراین این نوشتار می‌کوشد تا با مراجعه به متن‌ها و نصوص اسلامی مفهوم اعتماد را در آموزه‌های اسلامی شناسایی کرده، نقش آن را در توسعه اقتصادی ترسیم کند. فرضیه تحقیق این است که در صورت نهادینه‌شدن مؤلفه‌ها و نماگرهای سرمایه اجتماعی از دیدگاه اسلام، بستر مناسب برای توسعه اقتصادی محقق خواهد شد. بنابراین در مقاله به روش وصفی، تحلیل محتوا و با استفاده از منابع معتبر موجود، نخست مروری گذارا بر مفهوم سرمایه اجتماعی در اندیشه متعارف کرده و بر جایگاه برجسته‌نماگر اعتماد در این حوزه تاکید می‌کنیم. سپس با معرفی و تبیین فرهنگ اعتمادساز در اندیشه دینی، نقش آن را در فراهم آوردن بسترهای مناسب توسعه اقتصادی تشریح می‌کنیم.

تعریف سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از جمله مفهوم‌های جدید بین رشته‌ای است که همه‌گیر شده است و مانند بسیاری از مفهوم‌های علوم اجتماعی مفهومی سهل و ممتنع دارد. توجه روزافزون جامعه علمی به این مفهوم و به تبع آن گسترش مقاله‌های علمی این حوزه* از سویی و

*. بنابر مطالعه هارپر (۲۰۰۱)، تعداد مقاله‌های علمی مربوط به سرمایه اجتماعی پیش از سال ۱۹۸۱ در مجموع ۲۰ مقاله، از سال ۱۹۹۰ - ۱۹۹۱ به ۱۰۹ مقاله و از سال ۱۹۹۶ تا مارس ۱۹۹۹ تعداد مقاله‌ها به ۱۰۰۳ عدد رسید.

راه یافتن مفهوم سرمایه اجتماعی به فرهنگ عمومی از سویی دیگر، سبب شده است تا شناخت مفهوم سرمایه اجتماعی با دشواری‌هایی روبه‌رو باشد. به نظر می‌رسد ترسیم چارچوب مفهومی برای راه اجتماعی مسیر را در شناخت این مفهوم هموار کند و از این‌رو چنین کوششی نقطه عزیمت در جهت طرح مسئله «نقش اعتماد در توسعه اقتصادی» و در سرانجام «شناخت این مفهوم در متن‌ها و نصوص دینی» باشد.

از آنجا که ارایه تعریفی که برخی از مهمترین وجوه پدیده مورد بحث را در برگیرد، نقطه آغازین در معرفی چارچوب مفهومی است؛ در مقاله به‌رغم برخی از کاستی‌ها در تعریف بانک جهانی از سرمایه اجتماعی، این تعریف را برمی‌گزینیم چرا که نکته‌های ارزشمندی دارد. بانک جهانی در سال ۱۹۹۸ سرمایه اجتماعی را این‌گونه تعریف کرد:

«سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای مفروض در برگیرنده نهادها، رابطه‌ها و ارزش‌هایی است که بر کنش‌ها و واکنش‌های مردم حاکم هستند و در توسعه اقتصادی و اجتماعی سهمی دارند. اما سرمایه اجتماعی جمع ساده نهادهایی نیست که جامعه را در بر می‌گیرند بلکه مانند ملاطی شمرده می‌شود که نهادهای یاد شده را به هم پیوند می‌زند. سرمایه اجتماعی در عین حال در برگیرنده ارزش‌ها و هنجارهای مشترک لازم برای رفتار اجتماعی است که در روابط شخصی افراد، در اعتماد آنان به یکدیگر و در حس مشترک مسئولیت‌های مدنی منعکس شده است. امری که جامعه را چیزی بیشتر و فراتر از جمع افراد می‌سازد.»

دقت، تجزیه و تحلیل تعریف پیش‌گفته اجزای سرمایه اجتماعی را آشکار می‌سازد. در این تعریف، بانک جهانی سرمایه اجتماعی را در برگیرنده نهادهای رسمی و غیررسمی، نهاد خانواده، اقتصاد و سیاست و فرهنگ می‌داند. کنش‌ها و واکنش‌ها که در حقیقت پدیدآورنده نهادها هستند، خود بر پایه قاعده‌هایی سامان می‌یابند که بیان‌کننده ارزش‌ها هستند. از سوی دیگر، این تعریف تاکید می‌کند جامعه برآیند و جمع ساده مردمانی نیست که آن را پدید آورده‌اند، گرچه افراد در کنار هم جامعه را می‌سازند، اما کارکردهای جامعه، چیزی فراتر از کارکرد انفرادی افراد آن جامعه است. به‌گونه‌ای که می‌توان برای جامعه هویت منحاز و مستقلی با کارکردهای ویژه به خود در نظر گرفت و در این صورت این کارکردها فقط مستند به جامعه و نه افراد است. در تعریف پیش‌گفته به‌رغم اینکه اشاره شد سرمایه اجتماعی مانند ملاط پیونددهنده نهادهای جامعه را به پیوند می‌دهد، اما به این نکته که سرمایه اجتماعی به مثابه روغن، تعامل‌های اجتماعی و ارتباط‌های نهادی را تسهیل می‌کند، اشاره‌ای نشد.

با این همه به نظر می‌رسد، تعریف ارائه شده از سوی بانک جهانی توانسته است جماعی نسبی درباره مفهوم سرمایه اجتماعی فراهم آورد. از این رو بسیاری از تعریف‌های اجتماعی را می‌توان همسو با تعریف پیش‌گفته ارزیابی کرد. به‌طور مثال، گروتارت و تیری (Grootaert and Thierry (eds.), 2002) سرمایه اجتماعی را به‌طور کلی شامل نهادها، رابطه‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی می‌دانند که بر رفتارها و تعامل‌های بین افراد حاکم است یا وولکاک و ناریان (Woolcock and Narayan, 2000) سرمایه اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کنند که سرمایه اجتماعی آن دسته از شبکه‌ها و هنجارهایی است که مردم را به عمل جمعی قادر می‌کند.

برای شناخت چارچوب مفهومی سرمایه اجتماعی باید برای پرسش‌های ذیل پاسخی مناسب تدارک دید (پیران و دیگران، ۱۳۸۵):

ا. ماهیت سرمایه اجتماعی چیست؟

ب. سرمایه اجتماعی از چه منابعی پدید می‌آید؟

ج. کارکرد سرمایه اجتماعی چگونه است؟ و به عبارت دیگر، اثرها و نتیجه‌های سرمایه اجتماعی کدام هستند؟

مرور ادبیات سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که حوزه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی متکفل پاسخ‌گویی به دو پرسش نخست هستند اما بررسی کارکرد، اثرها، و نتیجه‌های سرمایه اجتماعی در بسیاری از علوم از جمله اقتصاد مورد بحث قرار می‌گیرد. از آنجا که این نوشتار، در پی بررسی یکی از اثرها و نتیجه‌های مهم اعتماد یعنی نقش اعتماد در توسعه اقتصادی است، دو محور نخست را در حد ضرورت معرفی و بحث‌های خود را درباره جایگاه، نقش و کارکرد اعتماد در توسعه اقتصادی پی می‌گیرد.

تعریف‌های متعدد سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که به‌رغم تنوع مفهومی، مهم‌ترین مفهوم‌های به کار رفته برای القای ماهیت و منابع خلق سرمایه اجتماعی، مفهوم‌هایی مانند: اعتماد، مشارکت عمومی، رابطه‌های متقابل و دو سویه و شبکه‌های اجتماعی است و بیشترین فراوانی را در بین مفهوم‌های به کار رفته در تعریف‌های گوناگون به خود اختصاص داده است. بدیهی است تنوع یادشده در عین حال، اغتشاش مفهومی موجود در بحث سرمایه اجتماعی را مورد تاکید قرار می‌دهد.*

*. جهت آگاهی بیشتر (رک: پورتس، ۱۳۸۴؛ پیران، موسوی و شیانی، ۱۳۸۵؛ فیلد، ۱۳۸۶؛ ناطق‌پور، فیروزآبادی، ۱۳۸۵).

همچنین مرور تعریف‌های متعدد نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق، این تعریف‌ها، چه مستقیم و چه غیرمستقیم و ضمنی در پی پاسخ به این پرسش بنیادین هستند که از چه جهت انسان‌ها گرد هم می‌آیند و به‌رغم منافع متضاد، در سطحی وسیع‌تر منافی مشترک پیدا می‌کنند و انواع گروه‌بندی جمعی را شکل می‌دهند. در عبارتی کلی‌تر، چه چیزی جامعه را سر پا نگاه می‌دارد و انسان‌ها را به کنش و واکنش برای خیر عمومی سوق می‌دهد. برخی از تعریف‌ها در مواجهه با این پرسش و در مقام تبیین ماهیت و اصل ذاتی سرمایه اجتماعی، منابع انباشت‌شده متعلق به افراد را در مجموعه‌های بسیار متنوع اجتماعی، مانند: اعتماد، جوهر سرمایه اجتماعی یا آنچه که سرمایه اجتماعی را پدید می‌آورد، می‌دانند. برخی دیگر نیز نیت خیر و حسن نیت (Goodwill) را به صورت جوهر سرمایه اجتماعی معرفی می‌کنند و مراد از حسن نیت و نیک‌خواهی را چنین بیان می‌کنند: «سپاتی (هم‌دردی، جاذبه، غم‌خواری، هم‌سوگی)، اعتماد، گذشت و عفو است که دوستان و آشنایان به ما ارزانی می‌دارند...» (Adler, 2002).

از سویی دیگر، همگام با توسعه مفهومی سرمایه اجتماعی، کوشش‌هایی جهت اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی صورت گرفت. نقطه عطف این مطالعه‌ها، نقدی بود که سولو (Solow, 2000) درباره اطلاق عنوان «سرمایه» در مفهوم سرمایه اجتماعی وارد کرد. وی اظهار داشت اگر سرمایه اجتماعی چیزی بیش از یک شعار باشد، مقدار آن به هر صورت، باید قابل اندازه‌گیری باشد، هر چند غیر دقیق. اما همچنان که در تعریف سرمایه اجتماعی به ندرت می‌توان اتفاق نظر میان صاحب‌نظران یافت، روش‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی نیز بسیار است و یک روش عمومی برای آن معرفی نشده است. مروری بر پژوهش‌های متعدد در این‌باره نشان می‌دهد که شناسایی اجزای سرمایه اجتماعی از نخستین مراحل اندازه‌گیری و ارزیابی سرمایه اجتماعی است.

ادبیات و پیشینه تحقیق

نخستین گام در راه شناسایی سرمایه اجتماعی و عملیاتی کردن مفهوم آن، معین کردن مؤلفه‌ها و عنصرهای آن است و در غیر این صورت سرمایه اجتماعی فقط به صورت مفهوم انتزاعی مطرح بوده و کاربرد سیاستگذاری و برنامه‌ریزی نخواهد داشت.

چنانکه از تعریف‌های گوناگون سرمایه اجتماعی بر می‌آید، اعتماد (Trust) یکی از اصلی‌ترین نماگرها و مؤلفه‌های آن است. از همین رو با توجه به گستره پژوهش‌های صورت گرفته درباره سرمایه اجتماعی، حجم بسیاری از این مطالعه‌ها در کوشش برای تبیین جایگاه برجسته اعتماد در نظریه سرمایه اجتماعی بوده‌اند. به‌طور مثال، پاتنام (Putnam, 1993) از آنجا که سرمایه اجتماعی را عبارت از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد بین گروه‌هایی می‌داند که مشارکت‌کنندگان در این گروه‌ها را به کار مؤثرتر با یکدیگر برای تعقیب هدف‌های مشترک قادر می‌کند، بر اعتماد در جایگاه یکی از مفهومی‌های کلیدی و پایه‌های اصلی نظریه سرمایه اجتماعی تاکید می‌کند. مطالعه‌های متعددی نیز که در پی ارزیابی وضعیت سرمایه اجتماعی و بررسی کارکردها و مصداق‌های آن سامان یافته‌اند، بر جایگاه برجسته مؤلفه اعتماد در تبیین نظریه سرمایه اجتماعی تاکید کرده‌اند.

اعتماد در لغت به معنای تکیه کردن، اطمینان داشتن و کاری را به کسی وا گذاشتن است (معین، ۱۳۶۲: ۱، ۳۰۲). در اصطلاح، به معنای باور به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود (رحمانی و امیری، ۱۳۸۶) و همان‌گونه که فوکویاما تاکید می‌کند مفهوم اعتماد ممکن است برای پیش‌نگری رفتار یک شریک با توجه به تعهدها و الزام‌های وی و امکان پیش‌بینی رفتار در مذاکره‌ها و تعامل‌ها بیان شود، گرچه وی ممکن است با رفتار فرصت‌طلبانه نیز روبه‌رو باشد (فوکویاما، ۱۳۸۴). پژوهشگران حوزه سرمایه اجتماعی دست‌کم از سه نوع اعتماد یاد کرده‌اند:

- ا. اعتماد بستگان و خویشاوندان: که بیان‌کننده اعتماد افراد جامعه به افراد خانواده، نزدیکان و دوستان است؛
- ب. اعتماد اجتماعی (میان افراد): که بیان‌کننده اعتماد افراد درباره یکدیگر و افراد جامعه است؛
- ج. اعتماد نهادی: که ناظر بر احساس اعتماد افراد درباره نهادها یا حرفه‌های گوناگون یا حتی بخش‌های گوناگون دولتی است. اعتماد به مشاغل، حرفه‌ها، اصناف، ادارات و نهادهای گوناگون اجتماعی مانند: پلیس، ارتش، روحانیون، معلمان، استادان دانشگاه، تاجر، کسبه، پزشکان و ... از این جمله هستند.*

*. پژوهش‌هایی که به صورت پیمایشی در پی ارزیابی وضعیت سرمایه اجتماعی هستند، اعتماد نهادی را با پاسخ به این پرسش که «مردم تا چه اندازه به عملکرد گروه‌ها، اصناف و اداراتی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با آنها در ارتباط هستند، اعتماد دارند» تعریف عملیاتی می‌کنند (ر.ک: فیروزآبادی و ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۵).

در ادبیات سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی از اعتماد نهادی و اعتماد اجتماعی به صورت اعتماد تعمیم‌یافته (Generalized Trust) نام می‌برند که در حقیقت اعتماد به افراد ناشناس مدنظر است. طبق نظر فوکویاما اعتماد حاکم بر رابطه‌های میان اعضای خانواده یا قوم و قبیله حتماً به رابطه‌های افراد در جامعه سرایت نمی‌کند. به‌طور معمول، سطح اعتماد در میان خانواده‌ها در همه کشورها بالا است و آنچه باعث پدید آمدن تفاوت‌های اساسی میان کشورها و مناطق می‌شود میزان اعتماد تعمیم‌یافته است. از منظر وی، شبکه اعتماد (Network of Trust) و شعاع اعتماد (Radius of Trust) در نظریه سرمایه اجتماعی اهمیت دارند. شبکه اعتماد، عبارت است از گروهی که براساس اعتماد متقابل به یکدیگر، از اطلاعات، هنجارها و ارزش‌های یکسانی در تبادل‌های فی‌مابین خود استفاده می‌کنند که باعث تسهیل فرایندها و کاهش هزینه‌های مربوط به این‌گونه تبادل‌ها می‌شود. شعاع اعتماد نیز به میزان گستردگی دایره همکاری و اعتماد متقابل اعضای یک گروه اطلاق می‌شود. بنابراین هر چه یک گروه اجتماعی شبکه‌های اعتماد و شعاع اعتماد بالاتری داشته باشد، سرمایه اجتماعی بیشتری خواهد داشت.

کوتاه سخن آنکه حجم بسیاری از مطالعه‌های حوزه سرمایه اجتماعی به تبیین مفهوم اعتماد از زاویه‌های گوناگون و بررسی نقش آن در توسعه اقتصادی پرداخته‌اند. اما نکته‌ای که در محدود پژوهش‌های صورت گرفته در کشورمان درباره این موضوع مورد غفلت واقع شده این است که، هیچ‌یک از آنها در پی کشف و بازیابی مفهوم اعتماد در منابع دینی و تبیین آن از منظر اسلام نبوده‌اند. این در حالی است که به نظر می‌رسد مراجعه به متن‌ها و نصوص اسلامی دستاوردهای روشنی در این‌باره در اختیار قرار دهد و در این صورت انتظار بر این است که گامی در جهت تبیین نظریه سرمایه اجتماعی در اندیشه دینی برداشته شود.

اعتماد در اندیشه دینی

با مروری بر مطالعه‌های صورت گرفته درباره مفهوم اعتماد به روشنی در می‌یابیم که نظریه متعارف، پیامدی صریح درباره نحوه و چگونگی خلق اعتماد در سطح‌های گوناگون آن ندارد. به نظر می‌رسد با مراجعه به متن‌ها و نصوص اسلامی می‌توان رهیافتی مناسب درباره چگونگی تولید، انباشت و بازتولید اعتماد در جامعه اسلامی دریافت کرد. گرچه ذکر

این نکته ضرور است که مؤلفه پیش گفته، نماگر آرمانی سرمایه اجتماعی در متن‌های اسلامی است و این به این معنا نیست که به ضرورت مؤلفه «اعتماد از منظر اسلام» در هر جامعه اسلامی تحقق می‌یابد. اما بی‌تردید ترسیم آن می‌تواند در جهت‌گیری و هدف‌گیری جامعه اسلامی مؤثر و مفید باشد. به عبارت دیگر، باید میان دو نوع سرمایه اجتماعی ساختاری (Structural) و شناختی (Cognitive) تفکیک قایل شد. در همین زمینه آپهف می‌گوید:

«به باور من، اهمیت این دسته‌بندی مانند اهمیت دسته‌بندی سرمایه طبیعی به منابع تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر است» (Uphoff, 2000).

تفکیک سرمایه اجتماعی به دو بُعد عینی و ذهنی یا ساختاری و شناختی و لزوم پیوند میان این دو برای پدید ساختن پیامدهای سودمند آن از این رو است که محدودکردن مفهوم به ساختارهای عینی رابطه‌ها یا ذهنیات افراد، مشکل‌هایی را در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و اثرهای آن پدید می‌آورد.

بنابراین اگرچه مطلوب آن است که نماگر اعتماد از منظر اسلام، در هر دو بُعد ساختاری و شناختی مطرح شود، اما بی‌تردید ترسیم فضای آرمانی و بیان آنچه که «باید باشد» به صورت مبنایی برای آنچه که «هست» مطرح است. از این رو در این نوشتار بیشتر بر جنبه‌های شناختی مفهوم اعتماد تاکید شده است؛ اگرچه کوشش بر این است که با ذکر موردهایی از سیره نبوی و علوی، چگونگی تحقق آنها در جامعه نیز مورد توجه قرار گیرد. شایان ذکر است که در دیدگاه اسلام، خانواده و جامعه اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند و در بسیاری از دستورهای دینی، خانواده، خویشان، همسایگان و سرانجام جامعه مسلمانان از غیرمسلمانان تا حدودی متمایز شده‌اند. با مراجعه به آموزه‌های اسلامی درمی‌یابیم که این مکتب الهی درباره اعتماد در جامعه اسلامی بیش از هر چیزی اهتمام می‌ورزد. در حالی که برخی از این متغیرها در ارتباط با کشورهای غیراسلامی مدنظر نیست. این نکته را می‌توان یکی از تفاوت‌های آشکار نظریه سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی با نظریه متعارف عنوان کرد.

چنانکه پیش از این بیان شد، محققان و پژوهشگران سرمایه اجتماعی، اعتماد را در سه سطح اعتماد به بستگان و خویشان، اعتماد اجتماعی (میان مردم) و اعتماد نهادی مورد بررسی قرار می‌دهند. به نظر می‌رسد در جست‌وجوی مفهوم اعتماد در دیدگاه اسلام بتوان

«اعتماد مؤمنان به یکدیگر» را نیز به تقسیم‌بندی پیش‌گفته افزود؛ چرا که در بسیاری از روایت‌ها، مومنان از دیگر افراد جامعه متمایز شده‌اند. همچنین شناسایی مفهوم اعتماد در اندیشه دینی مستلزم پی‌گیری این مفهوم در بسیاری از ارزش‌های اسلامی است. از این‌رو در قالب «فرهنگ اعتمادساز در اندیشه دینی» ابعادی از مؤلفه اعتماد را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

کنکاش در متن‌ها و نصوص دینی، نشان می‌دهد گرچه واژه و لفظ اعتماد به معنای متعارف آن در ادبیات سرمایه اجتماعی، چندان به کار نرفته است؛ جز در مواردی که اعتماد بندگان به خدا در جایگاه بالاترین سطح و شعاع اعتماد (زیرا همه چیز از آن خداوند است و آنچه در زمین و آسمان به دست بشر رسیده است، فقط امانت است) یا مقوله‌هایی مانند اعتماد به نفس مطرح است. اما با مراجعه به احکام، قواعد و دستورهای اخلاقی به خوبی درمی‌یابیم که دین مبین اسلام در جهت تولید، بازتولید و انباشت اعتماد در سطح‌های گوناگون آن در جامعه اسلامی توصیه‌های گسترده‌ای کرده است که این خود نشان‌دهنده غنای مفهومی این واژه در ادبیات دینی است. از همین‌رو، از آنها به «فرهنگ اعتمادساز» تعبیر کرده‌ایم که برخی از آنها را به اختصار مورد اشاره قرار می‌دهیم.

برپایی قسط و دادگری میان مردم

امر به برپایی قسط و دادگری میان مردم را می‌توان به روشنی از ارزش‌های اعتمادساز در اندیشه دینی قلمداد کرد و خلق اعتماد در سطح‌های گوناگون را در نتیجه برپایی آن در جامعه ملاحظه کرد. آنجا که در آیه ۲۵ سوره حدید می‌خوانیم:

«همانا پیامبران را با نشانه‌های آشکار برانگیختیم و با آنان کتاب و میزان فرستادیم، تا مردمان به قسط و دادگری برخیزند (و همه چیز بر پایه داد و دادگری باشد)» (حدید (۵۷)، ۲۵).

یا آنجا که می‌فرماید:

«بگو (ای پیامبر!) پروردگرم به من دستور (برپا داری) قسط و دادگری داده است ...» (اعراف (۷)، ۲۹).

روشن است که برپایی عدالت و دادگری میان مردم از اهداف اساسی و کلی رسالت

پیامبران است. خداوند متعال آیه ۱۳۵ سوره نساء می‌فرماید:

«ای مومنان در دادگری همواره استوار باشید و گواهان حق و داد، هر چند به زیان خودتان

یا پدر و مادر یا دوستانتان، باشید ...» (نساء (۴)، ۱۳۵).

مطابق آنچه از آیه پیش گفته یا آیه ۸ سوره مائده دریافت می‌شود، امر به برپایی عدالت در جامعه، به پیامبران منحصر نیست و همه مومنان را شامل می‌شود و اهمیت آن تا بدان‌جا است که اقامه قسط در جامعه و بر میزان عدالت رفتار کردن، حتی در شرایطی که به زیان انسان و نزدیکانش نیز باشد، باید عملی شود.

پیامبر اکرم ﷺ در روایت‌های متعدد بر لزوم اجرای عدالت و برپایی قسط در جامعه از سوی همگان تاکیدهای فراوانی دارند و می‌فرمایند:

«یک ساعت اجرای عدالت بهتر است از هفتاد سال عبادت...» (مجلسی، ۱۳۷۱: ۷۵، ۳۵۲).

امر به اقامه عدالت در جامعه از سوی مردم و پی‌گیری اجرای عدالت از سوی پیامبر اکرم ﷺ در جایگاه رهبر جامعه اسلامی فضای مبتنی بر قسط و عدل را در جامعه حکم فرما خواهد کرد که در این شرایط اعتماد مردم به یکدیگر از سویی و اعتماد مردم به حکومت از سویی دیگر یکی از دستاوردهای روشن این فرمان الهی است. زیرا در جامعه‌ای که همه مردم درباره یکدیگر و نیز دولت و حاکمیت درباره مردم موظف به اجرا و پی‌گیری مستر عدالت باشند، فضایی در جامعه حاکم خواهد شد که همگان (اعم از افراد حقیقی و حقوقی) در رابطه‌های فردی و اجتماعی درباره یکدیگر اعتماد کنند. زیرا احتمال این نخواهد رفت که رابطه‌های متقابل سمت ظلم، تعدی و تجاوز سوق یافته و در این میان حقی ضایع شود.

امیر مؤمنان علیه السلام نیز در نامه‌ای که به برخی از کارگزارانشان مرقوم فرموده‌اند، مصداقی واضح و عملی از آیه ۱۳۵ سوره نساء است؛ آنجا که می‌فرماید:

«از خدا بترس و مال‌های این مردمان را به ایشان باز گردان که اگر چنین نکنی و دستم به تو برسد، تو را به عقوبتی خواهم رساند که نزد خدا عذرخواه کار تو باشد و با شمشیر خود تو را خواهم زد، که هیچ کس را با آن نزده‌ام مگر آنکه داخل آتش شده است. به خدا قسم که اگر حسن و حسین هم کاری مثل تو کرده باشند، در حق ایشان سستی روا نمی‌دارم و جانب‌داری از من نخواهند دید، تا آنگاه که حق را از ایشان بگیرم و باطلی را که از ستم ایشان وجود یافته است، برطرف سازم...» (نهج البلاغه: ن ۴۲).

امیر مؤمنان علیه السلام در مقام حاکم اسلامی از آنجا که اولاً عدالت را استوارترین پایه (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ۳۴۰) و زینت حاکمان می‌داند (همان: ۳۴۲)، و ثانیاً فقط راه زنده‌ماندن احکام دین را در اجرای عدالت وصف می‌کند (حکیمی، ۱۳۸۴: ۶، ۲۰)، در

شرح وظایف و توصیه‌های خویش به کارگزارانش همواره بر رعایت عدالت میان همگان در جامعه تاکید فراوان کرده است.

در این باره می‌توان به نامه معروف حضرت علیه السلام به مالک اشتر اشاره کرد که در آن درباره رعایت عدالت میان تهی‌دستان و بیچارگان و مراقبت از سوءاستفاده نزدیکان و دوستان حاکم جامعه از بیت‌المال توصیه‌های روشنی شده است (نهج البلاغه: ن ۵۳). نمونه دیگری از این سیره را در برخورد امیر مؤمنان علیه السلام با طلحه و زبیر (از اصحاب رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم) در تقسیم غنایم می‌توان یافت که حضرت علیه السلام خویشاوندی و سابقه در دین‌داری را ملاکی برای برتری داشتن درباره دیگران نمی‌دانند و با همگان به عدالت رفتار می‌کنند و بر آن دو بانگ می‌زنند که:

«به خدای سوگند که من و این کارگزارم سهمی برابر داریم و با دست اشاره به کارگزار می‌کنند» (شافعی، ۱۴۲۴: ۲، ۱۱۱ - ۱۱۰).

سراسر سیره علوی، مشحون از این موردها است که همگی به درستی، مصداقی روشن و عملی از اهمیت خلق اعتماد از سوی دولت و حکومت اسلامی است. همچنین از فرمایش‌های گوهر بار امیر مؤمنان علیه السلام این چنین در می‌یابیم که اجرای عدالت در جامعه، همگان (حتی دشمنان) را شامل می‌شود:

«ای مسلمان! با دوست و دشمن به عدالت رفتار کن» (حرانی، ۱۴۰۴: ۶۴).

روشن است که اعتماد حاصل از چنین عدالتی، تمام سطح‌های اجتماعی را از خویشان و بستگان گرفته تا اعتماد به نهادها و سازمان‌ها را به ارمغان خواهد آورد.

بنابراین در اندیشه دینی، برپایی عدالت و اقامه قسط جایگاه ویژه‌ای داشته و دستاوردهای روشنی در جهت تولید و انباشت اعتماد در سطح‌های گوناگون آن به ارمغان خواهد داشت. بنابراین امیر مؤمنان علیه السلام در جهت احیای جامعه توحیدی و مبارزه با فساد اقتصادی (و در نتیجه پدیدساختن اعتماد و جلوگیری از تخریب آن) این چنین بانگ بر می‌آورد:

«به خدا سوگند آنچه از بیت‌المال بخشیده شده است به صاحبانش باز می‌گردانم؛ اگرچه به کابین زنان رفته باشد یا به کار خرید کنیزان، زیرا این عدالت است که همه را در خود می‌گیرد و هر کس تحمل عدالت برایش مشکل باشد، تحمل ظلم مشکل‌تر خواهد بود» (نهج البلاغه: خ ۱۵).

صداقت، امانت‌داری و وفای به عهد

یکی دیگر از فرهنگ‌های اعتمادساز در اندیشه دینی، سفارش به راست‌گویی، امانت‌داری و وفای به عهد است که به وضوح کنش‌های جمعی را تسهیل کرده، هزینه ارتباط‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد. برخی از محققان بر این باورند که بسیاری از دشواری‌های کشورهای توسعه‌نیافته با عدم راست‌گویی و شفافیت رهبران و مدیران ارشد و همچنین میان مردم ارتباط دارد (دادگر و نجفی، ۱۳۸۵). زیرا اعتماد مردم به مسئولان از سویی و اعتماد به افراد جامعه از سویی دیگر، خود از راست‌گویی، درستکاری و پای‌بندی به تعهدها از سوی همگان ناشی است و در کشورهایی که دروغ‌پردازی، خلف وعده، خیانت در امانت و مانند آن نهادینه* شده است، دیگر سراغی از سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن نباید گرفت.

مطابق آموزه‌های اسلامی راست‌اندیشی و راست‌گویی از بالاترین صفت‌های انسانی است و افراد راست‌گو هم‌تراز پیامبران دانسته شده‌اند (نساء ۴)، (۶۹)؛ چرا که راست‌اندیشی و صداقت یکی از خصلت‌های پیامبران است (مریم ۱۹)، (۵۴) و در روایت‌ها تصریح شده است که خداوند متعال پیامبران را فقط به علت صداقت و امانت‌داری برگزیده است (مجلسی، ۱۳۷۱: ۷۲، ۱۱۶). مروری بر متن‌ها و نصوص اسلامی روشن می‌کند که صداقت، امانت‌داری و وفای به عهد از جمله ویژگی‌های اخلاقی است که در اسلام بسیار بر آن تاکید شده است و رضایت پروردگار و پاداشی عظیم را در پی خواهد داشت (مائده ۵)، (۱۱۹). روایت در این باره فراوان است که در اینجا فقط به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«صدق از همه اخلاق صاحب یقین، شریف‌تر است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۲۸).

نقطه مقابل ویژگی‌های اخلاقی پیش‌گفته، دروغ‌گویی، خیانت در امانت و خلف وعده است که به روشنی در جهت تخریب اعتماد در سطح‌های گوناگون آن عمل کرده، هزینه تعامل‌ها، قراردادهای و کنش‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد. گفتنی است که رذیلت‌های اخلاقی پیش‌گفته در ادبیات دینی بسیار نکوهش و درباره دوری از آنها سفارش‌های فروانی شده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام این گونه می‌خوانیم:

*. نهادینه‌شدن در حقیقت تثبیت امور موردنظر در اندیشه‌ها، باورها و رفتارها است.

«خداوند برای شر و بدی قفل‌هایی قرار داده و کلید آنها را شراب‌خواری دانسته است و بدتر از شراب‌خواری دروغ‌گویی است».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در سفارش به امیر مؤمنان علیه السلام دروغ‌گویی را آفت کلام دانسته‌اند (حرانی، ۱۴۰۴: ۱۵) و تاکید می‌فرمایند که خیانت در امانت باعث فقر و نفاق می‌شود (همان: ۷۷). به نظر می‌رسد نهادینه‌شدن صداقت امانت‌داری و وفای به عهد در جامعه اسلامی که در نصوص اسلامی بسیار بر آنها تاکید شده است و از نشانه اهل تقوا و دینداران واقعی برشمرده است، اسباب خلق اعتماد در سطح‌های گوناگون آن را در جامعه فراهم آورده، باعث کاهش هزینه و سهولت تعامل‌های اجتماعی خواهد شد.

اصل اعتماد در فقه اسلامی

از آنجا که در جامعه‌ای اسلامی، همگان باید خود را ملزم به رعایت قوانین و احکام اسلامی بدانند و کارکردی مطابق آن از خود بروز دهند، در فقه اسلامی قاعده‌هایی سامان یافته است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

أ. قاعده اصالة الصحه

این قاعده بیان می‌دارد چنانکه معامله‌هایی بین افراد منعقد شود، ایقاع‌هایی صورت پذیرد، یا حتی عباداتی که افراد انجام می‌دهند، مشمول این قاعده شده و حمل بر صحت می‌شود و این صحت نه‌تنها یک صحت به اعتقاد فاعل این اعمال است؛ بلکه صحت واقعی است که این عمل در واقع نیز، به صورتی صحیح انجام شده است (بجنوردی، ۱۴۲۴: ۱، ۲۸۸). حجیت این قاعده به جهت بنای عاقلان و لزوم عدم اختلال نظام در صورت عدم اعتبار صحت است.

ب. قاعده يد

در صورتی که فردی بر کالایی مانند خانه و مغازه سیطره داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که ساکن در آن خانه یا مشغول کسب‌وکار در آن مغازه باشد و درب آنها بسته و کلید در اختیارش باشد یا در اراضی کشت و زرع کرده یا درختی را غرس کند یا مرکبی را در اختیار داشته باشد، چنانکه ادعای ملکیت کند، ملکیت وی بر این امور ثابت شده و دیگران

می‌توانند با وی معامله کنند (همان: ۱، ۱۳۴). شایان ذکر است که استیلا بر هر شی‌ای متناسب با آن شی است. روایت‌های فراوانی نیز وجود دارد که بر جواز معامله مالکانه با چنین افرادی دلالت دارد (حرّ عاملی، ۱۳۸۷: ۱۸، ۲۱۶ - ۲۱۴؛ ۱۲، ۶۰؛ ۱۳، ۳۱). در این روایت‌ها تصریح می‌شود این حکم در همه موردها قابل اجرا است؛ مگر اینکه خلاف آن ثابت شود یا بینه‌ای برخلاف آن اقامه شود.*

دلیل حجیت این قاعده نیز بنای عاقلان در همه ملت‌ها و امت‌ها است و شارع مقدس نیز ردعی از آن نکرده است.

ج. قاعده سوق مسلمین

افراد در جامعه اسلامی می‌توانند وارد بازار شده و گوشت و پوست حیوانات را بدون پرسش از کیفیت ذبح خریداری کنند. در صورتی که علم به عدم تزکیه نداشته باشند، حیوان محکوم به تذکیه است و خرید و فروش، خوردن و دیگر تصرف‌ها مشروط به آن، بی‌اشکال است؛ حتی اگر عرضه‌کننده چنین کالاهایی فردی باشد که مسلمانی آن معلوم نباشد (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۱۴۵). علت صحت این قاعده نیز سیره متشرعه و مومنان است که از ابتدای حکومت اسلامی در عصر پیامبر ﷺ تا زمان حاضر استمرار دارد. حتی شخص رسول الله ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام نیز خود این‌گونه عمل می‌کردند و ردعی از آن نیز به ما نرسیده است. افزون بر آن روایت‌های بسیاری نیز در این‌باره وجود دارد (بجنوردی، ۱۴۰۴: ۴، ۱۵۵). در برخی از روایت‌ها نیز این‌گونه تحلیل شده است که اگر چنین نباشد، هیچ بازاری برای مسلمانان وجود نخواهد داشت.**

چنانکه ملاحظه می‌شود قاعده‌های پیش‌گفته نشان از وجود اعتماد در جامعه اسلامی است و از این‌رو افزون بر اینکه می‌تواند فضای اعتماد را در درون جامعه اسلامی تقویت کرده و گسترش دهد، قاعده‌های اصالة الصحة و ید می‌تواند محدوده اعتماد را به بیرون جامعه اسلامی سوق دهد. یعنی اعتماد بیرونی نیز پدید آورد. همان‌گونه که علت حجیت این دو قاعده نیز در نزد فقیهان، بنای عاقلان در جمیع اعصار است که امامان معصومین علیهم‌السلام

*. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا عَلَى هَذَا عليه السلام يَسْتَبِينَ لَكَ غَيْرُ هَذَا، أَوْ تَقُومَ بِهِ الْبَيِّنَةُ (حرّ عاملی، ۱۳۸۷: ۱۲، ۶۰).
 **. لَوْ لَمْ يَجْزْ هَذَا لَمْ يَقُمْ لِلْمُسْلِمِينَ سَوْقٌ (حرّ عاملی، ۱۳۸۷: ۱۸، ۲۱۵).

در روایت‌های فراوانی بر حجیت آن تاکید کردند. به عبارت دیگر، قاعده‌های پیش‌گفته، به روشنی نظام اجتماعی را ترسیم می‌کنند که اولاً اعتماد متقابل، ثمره آن است و ثانیاً دایره اعتماد در چنین نظامی، محدود به قشر خاصی از افراد جامعه نمی‌شود و در نتیجه شبکه و شعاع اعتماد حاصل از آن، بسیار گسترده خواهد بود. بدیهی است پای‌بندی و به‌کارگیری این قواعد در جامعه اسلامی، در جایگاه یکی از منابع خلق اعتماد تعمیم‌یافته (اعتماد به افراد ناشناس) مطرح خواهد بود.

آداب معامله‌ها

دستورهای روشن و صریح اسلام درباره آداب معامله‌ها مانند: نهی شدید از کاستن ارزش کالا و کار مردم، حيله‌گری در خرید و فروش، کم‌فروشی با پیمانانه و ترازو، سوءاستفاده از بیت‌المال و ... نظامی را ترسیم می‌کند که در آن ارتباط‌ها و کنش‌های جمعی با سهولت بیشتری صورت گرفته و اعتماد افراد جامعه را تقویت می‌کند. چرا که به واسطه آن، موانع پدیدساختن اعتماد در سطح جامعه و نیز مؤلفه‌های آسیب‌زننده به آن از بین می‌رود. رعایت آداب معامله‌ها در اندیشه دینی از تخریب اعتماد در سطح‌های گوناگون (به‌ویژه اعتماد به افراد ناشناس - اعتماد تعمیم‌یافته) جلوگیری کرده، اسباب شکل‌گیری سرمایه اجتماعی برون‌گروهي را مبتنی بر اعتماد تعمیم‌یافته فراهم می‌کند.

نهی شدید درباره کاستن ارزش کالاهای مردم در آیه ۸۵ سوره اعراف و آیه‌های آغازین سوره مطففین (مطففین ۸۳)، ۳ - ۱)، نشان از اهمیت مقوله رعایت ادب معامله در دیدگاه اسلام است. چنانکه امام باقر علیه السلام در ذیل آیه شریفه «وای بر کم‌فروشان» می‌فرماید: «... خداوند تا کسی را کافر نخواند کلمه «ویل» را درباره وی به کار نمی‌برد...» (حویزی، ۱۳۸۳: ۵، ۵۲۷).

روایت‌ها در این‌باره نیز بسیار متعدد هستند و همه آنها مسلمانان را از عدم رعایت آداب معامله‌ها به‌ویژه کم‌فروشی، احتکار، خیانت در معامله و ... به شدت نهی می‌کنند و عقوبتی دردناک را برای آن تصویر می‌کنند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در روایتی مسلمانان را به دوری‌گزیدن از اشخاصی که ادب معامله را رعایت نمی‌کنند امر می‌فرماید (راوندی، بی‌تا: ۱۶). امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز می‌فرماید:

«... هر زمان که مردم کم‌فروشی کنند، خداوند آنان را به خشک‌سالی، قحطی و کم‌شدن محصول (و در نتیجه گرانی) گرفتار سازد...» (مجلسی، ۱۳۷۱: ۱۰۳، ۱۰۷).

سیره علوی درباره رعایت آداب معامله‌های بازار در جایگاه حاکم جامعه اسلامی نیز می‌تواند دستاوردهای نظری و عملی مناسبی را از حیث نقش دولت در خلق اعتماد از راه رعایت ادب معامله به ارمغان آورد. مصداق روشنی از این مدعا، نظارت امیر مؤمنان علیه السلام بر بازار و کارکردهای آن است. چنانکه امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«علی علیه السلام هر بامداد در بازارهای کوفه ... با تازیانه‌ای بر دوش گردش می‌کرد، و بر سر هر بازار می‌ایستاد و با صدای بلند می‌گفت: «ای تاجران و کاسبان! ... از دروغ گفتن و سوگند یاد کردن خودداری ورزید، و از ستم‌گری دوری کنید و با کسانی که (در ضمن خرید و فروش) به آنان ستم شده است با انصاف رفتار کنید، و دنبال ربا نروید، و پیمان‌ها و ترازو را درست بدهید و از ارزش کالای مردم نگاهید و تباه‌گر و مفسد فی‌الارض نباشید...» (قمی، بی‌تا: ۱، ۱۲۰).

البته گفتنی است اصل کلیدی نظارت، که به روشنی از کلمات حضرت استنباط می‌شود، همه شئون اجتماعی و اقتصادی را در بر می‌گیرد و با توجه به اینکه بدون نظارت فراگیر بر عملکرد نهادها و نقش‌آفرینان اصلی اقتصادی، به ویژه بازار و بازاریان نمی‌توان قوانین و احکام قرآن و سنت را به اجرا درآورد، حضرت هرگز از نظارت بر بازار و آداب معامله‌ها غافل نبود. وی خود بر بازار کوفه نظارت می‌کرد و نمایندگانی برای نظارت بر دیگر بازارها منصوب می‌کرد. همچنین دستورالعملی برای استانداران فرستاد که در آن مقررات کنترل بازار و مجازات محکوران، ابلاغ شده بود (نظریور، ۱۳۸۰: ۷، ۵۱۴-۵۱۳).

دستورهای صریح اسلام درباره پرهیز از عدم رعایت آداب معامله‌ها و تصویر کردن عقوبت دردناک آن از سویی و نقش حاکم جامعه اسلامی در نظارت بر عملکرد بازار و تاجر از سویی دیگر، می‌تواند اعتماد به تاجر و بازاریان را به همراه داشته باشد و بدین صورت مصداق روشنی از اعتماد تعمیم‌یافته را در جامعه پدید آورد. چرا که اولاً تاجر، کسبه و بنگاه‌داران خود کم‌فروشی، احتکار، گران‌فروشی و ... نمی‌کنند و ثانیاً سازوکار نظارتی دولت اسلامی نیز فرصت چنین امری را به آنان نخواهد داد؛ بنابراین اعتماد میان مردم و تاجر (به‌طور نمونه‌ای از اعتماد به افراد ناشناس) پدید خواهد آمد.

توصیه به تامین نیاز مردم

توصیه به برآورده کردن حاجت مسلمانان از سوی دیگر مسلمانان نیز از جمله آدابی است که خلق اعتماد میان افراد جامعه اسلامی و نهادهای آن را به دنبال خواهد داشت. امر به رفع نیازهای مسلمانان، اگرچه خود نیازمند وجود سطح قابل قبولی از اعتماد میان اقشار جامعه است، اما خود نیز می‌تواند پشتوانه‌ای نظری برای خلق اعتماد میان مردم و نیز نهادهای اجتماعی فراهم آورد. بنابراین، این خصیصه اجتماعی در فرهنگ مسلمانی را از جمله ارزش‌های اعتمادساز در جامعه می‌توان قلمداد کرد.

نهادینه‌شدن فرهنگ کوشش در جهت رفع نیازهای مسلمانان باعث تسهیل رابطه‌های اجتماعی در سایه اعتماد متقابل به دیگران خواهد شد. نهادینه‌شدن این فرهنگ، این باور را در میان جامعه اسلامی تقویت خواهد کرد که، مسلمان درباره دیگر مسلمانان مسؤولیت دارد و موظف به رفع نیازهای آنان است. بنابراین در کنار اثرها و برکت‌های فراوان این توصیه، خلق اعتماد، بازتولید و انباشت آن را نیز می‌توان از اثرهای این فرهنگ دینی بر شمرد.

نکته قابل تامل درباره خصیصه گفته‌شده این است که، از سویی کوشش برای رفع نیازهای مردم پاداش و ثواب فروانی دارد و از سویی دیگر، عدم رفع نیاز مسلمانان عقوبتی بسیار دردناک را به دنبال خواهد داشت. امام صادق علیه السلام شادمانی پیامبر صلی الله علیه و آله را نتیجه کوشش برای برآوردن نیازهای مومنان بر می‌شمردند (کلینی، بی‌تا: ۲، ۱۹۵). همچنین امام صادق علیه السلام تاکید می‌کند که اگر مسلمانی در جهت رفع نیاز برادر مسلمان خود بکوشد اما خداوند رفع آن نیاز را به دست وی برآورده نسازد، باز هم ثواب حج و عمره‌ای را نصیب خود ساخته است. اما چنانکه رفع آن حاجت به دست وی امکان‌پذیر شود، برای وی ثواب حج و عمره و دو ماه روزه و اعتکاف در مسجد الحرام نوشته خواهد شد (کلینی، بی‌تا: ۲، ۱۹۹ - ۱۹۸).

یادآوری نخستین سال‌های هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه و چگونگی کوشش انصار برای اسکان و پذیرایی از مهاجرین (ر.ک: زرگری‌نژاد، ۱۳۸۷: ۳۵۰ - ۳۴۱)، نیز برگ زرینی از صفحات تاریخ را بر جای گذاشته است که به‌صورت مصداقی عملی از فرهنگ گفته شده در دسترس است.

در کنار پاداش‌های فراوانی که رفع نیاز مردم دارد، عدم کوشش برای تامین حاجت مردم، عقوبتی بسیار دردناک را به دنبال خواهد داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

«هر کس خواستار حاجتی را - با آنکه در برآوردن آن توانا باشد - رد کند، برای وی گناهی مانند گناه باج‌گیران (عشاران) خواهند نوشت» (صدوق، ۱۴۰۶: ۳۴۱).

امام صادق علیه السلام نیز در روایت‌های متعددی عقوبت این امر را گوشزد فرموده‌اند از جمله اینکه چنین شخصی از طعام بهشتی محروم خواهد شد (حرّ عاملی، ۱۳۸۷: ۱۱، ۶۰۱). خلاصه اینکه خصیصه گفته‌شده، با توجه به رابطه‌هایی که در ابتدا اشاره شد و نیز با عنایت به مصداق عملی آنکه از نخستین سال‌های هجرت درباره انصار و مهاجرین گفته شد، می‌تواند اعتماد را میان مسلمانان به ارمغان بیاورد.

همچنین می‌توان بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی دیگری را از گنجینه نامتناهی روایت‌های امامان معصومین علیهم السلام برشمرد که فقط یکی از نتیجه‌های آنها خلق، تحکیم و انباشت اعتماد در سطح‌های گوناگون آن است. که «امر به نیکی کردن و ترحم کردن به مردم»، «خود و دیگران را یکسان پنداشتن»، «لزوم حفظ حرمت مال، جان و آبروی مومن»، «لزوم حفظ مال نامسلمانی که با مسلمانان پیمان دارد»، «توصیه به نیک‌خواهی در نظرخواهی» و ... بخشی از آنها است که بسترهای مناسبی را برای توسعه اقتصادی فراهم خواهد آورد.

بررسی نقش اعتماد از دیدگاه اسلام بر توسعه اقتصادی

اکنون نحوه عملکرد و سازوکار اثرگذاری «اعتماد در اندیشه دینی» را بر توسعه اقتصادی تبیین کنیم. اما نکته‌ای که ذکر آن ضرور به نظر می‌رسد این است که، ارتباط میان اعتماد و توسعه اقتصادی یک ارتباط دوسویه است؛ اعتماد بر روند توسعه تاثیرگذار است و از آن اثر می‌پذیرد. به همین دلیل، همراه با توسعه اقتصادی کشور، انتظار بر آن است که اعتماد نیز در آن جامعه فراگیر شود (Stiglitz, 2000). بنابراین بررسی این رابطه دوسویه امری ضرور به نظر می‌رسد که البته در این پژوهش به علت محدودیت‌های آن، فقط نقش اعتماد بر توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است.

فوکویاما (Fukuyama, 2002) باور دارد اندیشه‌وران بسیاری سرمایه اجتماعی را به صورت عامل کلیدی در توسعه اقتصادی در نظر می‌گیرند. وی سرچشمه پیدایش نظریه‌های مربوط به ارتباط سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی را اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی می‌داند و باور دارد که یک تفکر مجدد اما اساسی درباره مسئله توسعه در این تاریخ شکل

گرفت که شامل درک جدیدی درباره اهمیت مشارکت عامل‌های فرهنگی بوده است و سرمایه اجتماعی، و به‌طور ویژه اعتماد، ابزاری است که درک نقش این عامل‌های ارزشی و هنجارها را در زندگی اقتصادی فراهم می‌کند. حال پرسش اینجا است که مفهوم اعتماد آنچنان که در آموزه‌های اسلامی از آن یاد می‌کنیم، چگونه و با چه سازوکاری بر توسعه اقتصادی اثرگذار است؟

اعتماد و کارایی بازار

اطلاعات نامتقارن (Asymmetric Information) از آنجا که مشکل‌هایی مانند انتخاب بد (Adverse Selection) و ... را به دنبال خواهد داشت، سبب‌های شکست بازار (Market Failure) را فراهم خواهد آورد. اطلاعات نامتقارن در بسیاری از بازارها وجود دارد. به‌طور مثال، به‌طور معمول فروشنده نسبت به خریدار از اطلاعات بیشتری برخوردار است که همین امر می‌تواند انحراف قیمت در بازار را به دنبال داشته باشد. از سویی دیگر، از آنجا که در اقتصاد مبتنی بر بازار، قیمت به عنوان مهم‌ترین عامل نقش‌آفرینی می‌کند، انحراف قیمت‌ها تخصیص ناکارآمد منابع را به دنبال خواهد داشت و در نتیجه شرایط شکست بازار مهیا می‌شود.

در چنین شرایطی مؤلفه اعتماد در اسلام، از راه نماگرهای «برپایی قسط و دادگری میان مردم»، «تاکید فقه اسلامی بر اعتماد»، «رعایت آداب معامله‌ها» و «اهتمام به برآوردن نیاز مردم» می‌تواند بر مشکل فایق آمده، اسباب انتشار بهتر اطلاعات را فراهم آورد. زیرا هنگامی که خود را ملزم به عدم گران‌فروشی، احتکار، خیانت در امانت، کم‌فروشی و ... می‌دانند، افراد مطلع اطلاعات خود را به سهولت در اختیار دیگران قرار خواهند داد (زیرا درباره اینکه از سوی دیگر اعضای بازار یا سازمان مورد خیانت یا ... قرار نمی‌گیرند، اطمینان وجود دارد و تسهیل در گردش اطلاعات عدم تقارن اطلاعاتی را از بین می‌برد. همچنین از آنجا که افراد جامعه اسلامی اهتمام ویژه‌ای در برآوردن نیاز مردم دارند، با فراگیری چنین فرهنگی چرخش اطلاعات بیشتر شده و ناهمگونی آن نیز از بین می‌رود. که این امر خود می‌تواند توسعه را در قراردادهای مالی نیز به دنبال داشته باشد. چرا که از بین رفتن ناهمگونی جریان اطلاعات در یک قرارداد مالی، افزون بر اینکه افزایش اعتماد را به دنبال دارد، به‌طور

مستقیم تقاضا و فایده قراردادهای مالی را افزایش می‌دهد (Guiso & Others, 2000). بنابراین می‌توان گفت که اعتماد در اندیشه دینی، اسباب گردش اطلاعات و انجام فعالیت‌های دارای منافع متقابل ("Mutually Beneficial Collective Action" "MBCA") را فراهم می‌کند (Grootaert & Van-Bastelaert, 2002) و از این راه بر کارایی بازار و در نتیجه توسعه اقتصادی اثرگذار خواهد بود.

اعتماد و کارآمدی دولت

اعتماد در اندیشه دینی، با افزایش کارایی دولت نیز بر توسعه اقتصادی موثر است. اقامه قسط و عدل از سوی همگان در جامعه اسلامی و به ویژه از جانب دولت، از دولت‌مردان چهره‌ای مورد اعتماد در بین مردم ترسیم خواهد کرد. در این شرایط پذیرش عامه درباره سیاست‌ها و برنامه‌های دولت (از جمله برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور) بسیار بیشتر شده، زمینه را برای اجرای موفق آنها فراهم می‌کند. ثبات رفتار سیاسی - اخلاقی کارگزاران حکومتی، اتخاذ مواضع صادقانه، کوشش در جهت تحقق وعده‌های اعلام شده و ... همگی مواردی است که به عنوان منبع مهمی برای اعتماد نهادی شناخته می‌شود و در صورت تحقق چنین مهمی، توسعه اقتصادی از مسیر بهبود کارایی دولت محقق خواهد شد.

در کشورهایی که مسئولین دولتی مورد اعتماد هستند، اعلام مواضع و سیاست‌ها از اعتبار بیشتری برخوردار است. هر چه صحت این امر بیشتر باشد، اعتماد باعث افزایش سرمایه‌گذاری و دیگر فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. تعهدهای بانک‌های مرکزی مبنی بر عدم افزایش نرخ‌های بهره، تضمین‌هایی که وزرای اقتصاد برای تثبیت پشتوانه نرخ ارز می‌دهند و اطمینان درباره اینکه قوانین مالیاتی مرتب مورد تجدیدنظر و اصلاح واقع نمی‌شوند و موردهایی از این دست، همگی کارآمدی سیاست‌های دولتی را بیشتر می‌کند (علمی و دیگران، ۱۳۸۴) و مردم چنین جوامعی را برای سرمایه‌گذاری مناسب‌تر می‌بینند. همچنین اعتماد به نهادهای دولتی فعالیت‌های دولتمردان را روان‌تر کرده و از بار مالی دولت می‌کاهد. چنانکه افراد جامعه به نهادهای حکومتی اعتماد داشته باشند و این اطمینان وجود داشته باشد، که از سوی حکومت مورد تعدی و تجاوز قرار نمی‌گیرند، افراد با حمایت از دولت، به‌طور مثال نمونه با شرکت در انتخابات و پرداخت به موقع مالیات‌ها،

باعث افزایش کارایی دولت و در نتیجه نظام اقتصادی می‌شوند. این تاثیر در نظام‌های اقتصادی مانند ایران که دولت نقش بسیاری در تعامل‌های اقتصادی جامعه دارد، از اهمیت دوچندانی برخوردار است.

امر به اقامه قسط و عدل در جامعه از سوی همگان به‌ویژه دولت اسلامی، در این‌باره می‌تواند به‌صورت منبع مناسبی برای خلق اعتماد نهادی مطرح باشد و از راه پدید آوردن کارآمدی و کارایی دولت، توسعه اقتصادی را در پی داشته باشد.

اعتماد و توسعه مالی

قراردادهای مالی درباره اعتماد حساس هستند؛ اعتماد به اینکه طرف مقابل مطابق قرارداد عمل کرده و انحرافی از تعهدها و وظایفی که به وی محول شده است، ندارد. این حساسیت آنجا اهمیت می‌یابد، که امروزه می‌دانیم حتی در بهترین و پیشرفته‌ترین نظام‌های قضایی نیز، نمی‌توان امنیت کامل سرمایه‌گذاری را تامین کرد. قانون در برابر برخی از کلاه‌برداران حرفه‌ای نمی‌تواند کاری از پیش برد و گویی در برخی از موارد غیر موثر و ناکارآمد است و به‌طور معمول هزینه‌های فراوانی را به همراه دارد. به نظر می‌رسد در چنین شرایطی، اعتماد را به‌صورت مکملی مناسب - و البته کم هزینه - برای تامین امنیت سرمایه‌گذاری و قراردادهای مالی معرفی کرد. حال اگر این اعتماد مبتنی بر اندیشه دینی شکل گرفته باشد، با توجه به سفارش‌های موکد دین مبین اسلام درباره رعایت آداب معامله‌ها، انتظار بر این است که کارایی اعتماد در توسعه قراردادهای مالی بسیار گسترده باشد.

همچنین سطح‌های بالای اعتماد امکان استفاده از حساب‌های دیداری را در قراردادهای معامله‌های مالی فراهم می‌آورد. که این امر می‌تواند به گسترش معامله‌ها بیانجامد. مطالعه‌های تجربی در ایتالیا به‌وسیله گوییز (Gusie and Others, 2004: 526 - 556) نیز موید این مطلب است؛ به‌گونه‌ای که در نواحی از ایتالیا که اعتماد در سطح بالایی قرار دارد، افراد بیشتر تمایل داشتند تا با چک معامله کنند.

اعتماد در قالب بحث «تخصیص سبد دارایی» نیز توسعه را پدید خواهد آورد (رحمانی و امیری، ۱۳۸۶). به این صورت که تخصیص دارایی بین پول نقد یا سرمایه‌گذاری (یا سپرده‌گذاری) با اعتماد رابطه دارد زیرا می‌دانیم که هر نوع

سرمایه‌گذاری، به نوعی واگذاری امور به نمایندگان منوط است و از آنجایی که علاقه به نماینده‌پذیری تحت تاثیر سطح اعتماد است؛ بنابراین افرادی که در مناطقی با سرمایه اجتماعی بالا زندگی می‌کنند، از آمادگی بیشتری، نسبت به دیگران برای پذیرش طرف سوم برخوردار هستند. به همین جهت انتظار می‌رود در این مناطق سهم بیشتری از دارایی‌های افراد در قالب سپرده و سهام نگه‌داری شود.

مثال دیگر در این باره این است که در کشورهای با اعتماد بالا، معامله‌های قسطی، وام‌دهی و قرض با سهولت و در سطح گسترده‌ای صورت می‌گیرد و این امر خود می‌تواند زمینه را برای توسعه مالی فراهم آورد. در این باره نیز اعتماد مبتنی بر اندیشه دینی، بستری مناسب را برای ترویج این‌گونه معامله‌ها فراهم می‌آورد. کوتاه سخن آنکه، زندگی کردن در کشورهایی که سطح اعتماد میان افرادش بالا است، هزینه کمتری را برای مراقبت از خود در مبادله‌های اقتصادی تحمیل می‌کند؛ قراردادهای مکتوب کمتری احتیاج می‌شود و افراد مجبور نیستند تا برای هر اتفاق احتمالی، چاره‌ای بیاندیشند و این را می‌توان بیان دیگری از توسعه مالی قلمداد کرد.

اعتماد و کاهش فقر

توصیه اکید اسلام درباره لزوم برآوردن نیازهای مردم، زمینه را برای ریشه‌کن کردن فقر در جامعه فراهم می‌آورد. اعتماد حاصل از این مؤلفه به این معنا که همگان در جامعه اسلامی درباره برآوردن نیاز دیگر افراد جامعه خود را ملزم می‌دانند، بستری مناسب برای از بین رفتن فقر در جامعه فراهم می‌آورد. زیرا چنانکه پیش‌تر نیز اشاره شد، فراگیری این ویژگی اجتماعی در جامعه، افراد را به مثابه یک خانواده ترسیم می‌کند که در پی رفع نیازهای یکدیگر هستند. بنابراین انتظار بر این است که در چنین جامعه‌ای زمینه بروز فقر و اسباب آن از بین برود. همچنین دستوره‌های صریح و روشن شارع مقدس درباره ضرورت رعایت آداب معامله‌ها، و نهی شدید از احتکار، گران‌فروشی، خیانت در امانات و ... و همچنین امر به برپایی عدل در جامعه از سوی همگان، توزیع عادلانه منابع و ثروت را در جامعه به دنبال خواهد داشت که در نتیجه آن می‌توان درباره کاهش فقر در جامعه امیدوار بود و سرانجام توسعه اقتصادی از راه کاهش فقر به دست آید.

اعتماد و رشد اقتصادی

مطالعه‌های صورت گرفته بر روی علت‌های رشد اقتصادی نشان می‌دهد که بین ۶۰ - ۴۰ درصد از رشد اقتصادی به وسیله عامل‌های تولید توضیح داده نمی‌شوند. این مقدار همان است که از آن با عنوان بهره‌وری کل عوامل تولید (Total Factor Productivity) یاد می‌شود (Hjerppe, 2003). بر همین اساس یافتن علت‌های پسماند رشد اقتصادی یا رشد توضیح داده نشده، به صورت دغدغه‌ای برای اقتصاددانان و برنامه‌ریزان اقتصادی مطرح بوده است. بررسی رابطه اعتماد و رشد اقتصادی از جمله موضوع‌هایی است که در همین جهت، در سال‌های اخیر مطالعه‌های فراوانی را به خود اختصاص داده است. اکثریت قریب به اتفاق، این مطالعه‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که رشد اقتصادی با سطح اعتماد ارتباط معناداری دارد؛ به گونه‌ای که بالا بودن اعتماد اجتماعی و نهادی در جامعه، رشد اقتصادی بالاتری را نیز به دنبال خواهد داشت (Kormendi & Meguire, 1985:141-163; Grier & Tullock, 1989:259-267; la porta & Others, 1997).

اقتصاددانان به‌ویژه طرفداران شعبه تازه شگفته علم اقتصاد، یعنی «اقتصاد نهادگرایی جدید» (The New Institutional Economics) در تبیین علت‌های رابطه اعتماد و رشد اقتصادی بر این باور هستند که در اقتصاد، ترکیبی بهینه از بازار، دولت و بنگاه مورد نیاز است. به گونه‌ای که ترکیب این نهادها، نه تنها هزینه مبادله و سواری مجانی را حداقل کند، بلکه دیگر شاخص‌های عملکرد اقتصادی را نیز بهبود بخشند (رنانی، ۱۳۷۶). داگلاس نورث (Douglas North)، برنده جایزه نوبل و از سردمداران اقتصاد نهادگرایی، باور دارد که نهادهای رسمی و غیررسمی نقش اساسی در رشد اقتصادی ایفا می‌کنند. با مروری دوباره بر مفهوم اعتماد درمی‌یابیم که اعتماد یکی از مفهومی‌های کلیدی در این باره خواهد بود. به عبارت دیگر، همگام با گسترش ادبیات نهادگرایی و تاکید بر نقش نهادهای رسمی و غیررسمی (مانند ساختار قانونی و قواعد بازی) در رشد اقتصادی، اعتماد تعمیم‌یافته نیز به صورت یکی از مفهومی‌های اساسی در کانون توجه اقتصاددانان قرار گرفته است. بنا بر گفته ناک (Knack, 2002) «اعتماد به صورت شاخص‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی، متغیری کلیدی برای توضیح رشد اقتصادی شناخته شده است». چرا که وجود اعتماد در معامله‌ها باعث کاهش هزینه‌های معاملاتی و در نتیجه کارایی معامله‌ها خواهد شد که این امر نیز

افزایش رشد اقتصادی را به دنبال خواهد داشت.*

با این همه اگرچه مطالعه‌های تجربی قابل اتکایی در حوزه «نقش اعتماد در اندیشه دینی بر رشد اقتصادی» صورت نگرفته است، اما به نظر می‌رسد وجود سطح مناسبی از اعتماد در جامعه اسلامی که از راه مؤلفه‌هایی مانند: رعایت آداب معامله‌ها، امر به برپایی قسط و عدل در جامعه، نیک‌خواهی در نظرخواهی، تاکید فقه اسلامی بر اعتماد و ... به دست خواهد آمد، هزینه‌های مبادله‌ها و قراردادهای اقتصادی را کاهش داده و کارایی نظام اقتصادی و سرانجام رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت.

گلاوف (Gelauff, 2003) در این‌باره بیان می‌کند که حسن شهرت و اعتماد پدید آمده بین افراد باعث می‌شود که معامله‌ها با سهولت بیشتری بین خریداران و فروشندگان صورت گیرد و بسیاری از ماده‌های قراردادهای اقتصادی به صورت ضمنی و نانوشته باقی بماند که این امر نیز در تسهیل معامله‌های اقتصادی در جامعه موثر است. همچنین می‌دانیم که در صورت تسهیل معامله‌ها و در نتیجه افزایش آنها، اسباب نشاط و شکوفایی اقتصادی و در نتیجه توسعه اقتصادی در جامعه فراهم خواهد شد. ارو نیز تاکید می‌کند:

«هر مبادله تجاری در نفس خود، حاوی مقداری اعتماد است. به‌ویژه آن دسته مبادله‌هایی که برای مدت طولانی‌تری تنظیم می‌شوند. پس شاید بتوان این‌گونه ادعا کرد که هر عقب‌ماندگی اقتصادی در جهان، می‌تواند با فقدان اعتماد متقابل توضیح داده شود» (Arrow, 2002).

شایان ذکر است که موردهای پیش‌گفته نیز می‌توانند در رشد اقتصادی موثر بوده و رشد شاخص‌های اقتصادی را به همراه داشته باشند. همه این موردها در حالی است که التزام به دستوره‌های اسلام، بسترهای مناسبی برای خلق اعتماد در جامعه فراهم خواهد آورد و از این راه رشد و توسعه اقتصادی را به همراه خواهد داشت.

*. مطالعه‌های دیگری از جمله مطالعه‌های ناک و کیفر (۱۹۹۷) و ناک و زاک (۲۰۰۱) به اثر اعتماد بر روی رشد اقتصادی پرداخته‌اند. جهت آگاهی بیشتر رک: (Knack, & Keefer, 1997).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. دستیابی به رشد و توسعه مستلزم به کارگیری و بهره‌برداری بهینه از انواع سرمایه (مالی، فیزیکی، اقتصادی، انسانی و اجتماعی) است. سال‌ها پس از تثبیت و تکامل سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. بنابراین شاید بتوان پذیرش نقش سرمایه اجتماعی در روند رشد و توسعه را در جایگاه سومین حلقه از حلقه‌های تکاملی سرمایه تلقی کرد؛

۲. سرمایه اجتماعی در برگیرنده نهادها، رابطه‌ها و ارزش‌هایی است که بر کنش‌ها و واکنش‌های مردم حاکم هستند و در تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی اثرگذار هستند. اما سرمایه اجتماعی جمع ساده نهادهایی نیست که جامعه را در بر می‌گیرند بلکه، مانند ملاطی شمرده می‌شود که نهادهای پیش‌گفته را به هم پیوند می‌زند. سرمایه اجتماعی در عین حال در برگیرنده ارزش‌ها و هنجارهای مشترک لازم برای رفتار اجتماعی است که در رابطه‌های شخصی افراد، در اعتماد آنان به یکدیگر و در حس مشترک مسؤولیت‌های مدنی و ... منعکس شده است. به‌گونه‌ای که جامعه را چیزی بیشتر و فراتر از جمع افراد می‌سازد؛

۳. شناخت سرمایه اجتماعی و عملیاتی کردن آن مستلزم شناسایی مؤلفه‌ها و نماگرهای آن است و از آنجا که اعتماد در جایگاه شاخص‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی شناخته می‌شود، در این نوشتار تصویری روشن از مفهوم اعتماد و نقش آن در توسعه اقتصادی ترسیم شد؛

۴. در جست‌وجوی مفهوم اعتماد در نصوص اسلامی از آنجا که مراد خود را در واژه اعتماد نیافتیم، توجه خویش را بر برخی از فرهنگ‌های اعتمادساز در اندیشه دینی متمرکز کردیم. بسیاری از قواعد، دستورها و اصول اسلامی در کنار کارکردهای گسترده‌ای که دارند، اعتماد را در سطح‌های گوناگون نیز به ارمغان خواهند آورد. از این‌رو، مفهوم‌هایی مانند برپایی قسط و عدل، رعایت آداب معامله‌ها و امر به رفع نیازهای مردم را جزو فرهنگ اعتمادساز در اسلام دانستیم که می‌توانند اعتماد را در جامعه پدید آورند. قاعده‌هایی در فقه اسلامی مانند اصالة الصحة، ید و سوق‌المسلمین

نیز نظامی را ترسیم می‌کند که اعتماد بیرونی و درونی در جامعه اسلامی را به صورت یک اصل مطرح می‌سازد؛

۵. کوشش فردی و اجتماعی برای نهادینه کردن احکام، دستورها و قواعد بسترساز اعتماد عمومی در درون جامعه اسلامی و در ارتباطهای بیرونی جامعه اسلامی را با دیگران و گسترش فرهنگ عمومی پدیدساختن اعتماد در رسانه‌های گروهی و مطبوعات، می‌تواند با اثرگذاری بر کارایی بازار، دولت، کاهش فقر، توسعه مالی و سرانجام رشد اقتصادی، بسترهای مناسب توسعه اقتصادی را در جامعه فراهم کند؛

۶. دولت اسلامی به جهت کارکردهای ویژه آن، نقش به‌سزایی در خلق، تثبیت و فراگیری اعتماد در جامعه دارد. اقامه عدل و دادگری از سوی دولت اسلامی و نیز نظارت دقیق و عادلانه نهادهای حکومتی بر بازار و معامله‌های اقتصادی و جلوگیری از گران‌فروشی، احتکار و ... می‌تواند فرهنگ اعتماد را در جامعه نهادینه کرده، اسباب توسعه اقتصادی را فراهم آورد؛

۷. برنامه‌های توسعه اقتصادی می‌توانند به صورت محملی برای خلق اعتماد در آموزه‌های اسلامی مدنظر قرار گیرند. راه‌کارهای قانونی نهادینه کردن رعایت آداب معامله‌ها، کوشش برای رفع نیازهای مردم و ... می‌تواند در برنامه‌های توسعه اقتصادی مورد توجه بوده و به صورت روح حاکم بر آنها مطرح باشند. به دیگر سخن، می‌توان از برنامه‌های توسعه اقتصادی به صورت ابزاری برای نهادینه کردن فرهنگ دینی در آحاد جامعه بهره برد و از آنجا که این فرهنگ، بستری مناسب برای توسعه اقتصادی فراهم می‌آورد، مناسب است تا برنامه‌ریزان اقتصادی درباره آن عنایت و توجه کافی داشته باشند.

منابع و مأخذ

أ. فارسی و عربی

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. الویری، محسن، ۱۳۸۲ش، «سند چشم انداز توسعه و سرمایه اجتماعی»، مجله اندیشه صادق، ش ۱۱ و ۱۲.
۲. بجنوردی، سیدمحمدحسن، ۱۴۲۴ق، *القواعد الفقهیه*، تحقیق مهدری مهریزی و محمدحسین درایتی، قم: دلیل ما.
۳. برهان یزدانی، سمیه، ۱۳۸۳ق، بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران طی دوران پس از انقلاب اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهراء ع.ا.س.
۴. پورتنس، آلهاندرو، ۱۳۸۴ش، سرمایه اجتماعی: خاستگاه‌ها و کاربردهایش در جامعه‌شناسی مدرن، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه حسن پویان و افشین خاکباز، تهران: شیرازه.
۵. پیران، پرویز، موسوی، میرطاهر و شیانی، ملیحه، ۱۳۸۵ش، «کارپایه مفهومی و مفهوم سازی سرمایه اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ش ۲۳.
۶. تاجبخش، کیان، ۱۳۸۴ش، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه حسن پویان و افشین خاکباز، تهران: شیرازه.
۷. تیممی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶ش، *تصنیف غررالحکم و درر الکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۸. حرانی، ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول عن آل الرسول ع.ا.س.*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۹. حرّ عاملی، شیخ محمد بن حسن، ۱۳۸۷ق، *وسایل الشیعه*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۱۰. حکیمی، محمدرضا و دیگران، ۱۳۸۴ش، *الاحیاء*، ترجمه احمد آرام، قم: دلیل ما.
۱۱. حویزی، علی ابن جمعه، ۱۳۸۳ق، *تفسیر نورالثقلین*، قم: دارالکتاب اعلمیه.
۱۲. دادگر، یدالله و نجفی، محمداقبر، ۱۳۸۵ش، «سرمایه اجتماعی و بازتولید آن در عصر پیامبر اسلام ص.ا.س.»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۲۴.

۱۳. راوندی، سیدفضل الله، بی تا، *نوادیر راوندی*، قم: دارالکتاب.
۱۴. رحمانی، تیمور، امیری، میثم، ۱۳۸۶ش، «بررسی تاثیر اعتماد بر رشد اقتصادی در استان های ایران با روش اقتصادسنجی فضایی»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، ش ۷۸.
۱۵. رنانی محسن، ۱۳۷۶ش، *بازار یا نابازار؟: بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران*، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۱۶. زرگری نژاد، غلام حسین، ۱۳۸۷ش، *تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)*، تهران: سمت.
۱۷. شافعی، ابن مغزالی، ۱۴۲۴ق، *مناقب الامام علی بن ابیطالب* علیه السلام بیروت: انتشارات دارالاضواء.
۱۸. صدوق، علی بن بابویه، ۱۳۶۲ش، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین.
۱۹. _____، ۱۴۰۶ق، *علی بن بابویه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، قم: دارالرضی.
۲۰. علمی، زهرا، شارع پور، محمود، حسینی، سیدامیرحسین، ۱۳۸۴ش، «سرمایه اجتماعی و چگونگی تاثیر آن بر اقتصاد»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، ش ۷۱.
۲۱. فاضل لنکرانی، شیخ محمد، ۱۴۲۵ق، *القواعد الفقهیه*، بی جا، بی تا.
۲۲. فوکویاما، فرانسیس، ۱۳۸۴ش، *پایان نظم (سرمایه اجتماعی و حفظ آن)*، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
۲۳. فیروزآبادی، سیداحمد، ایمانی جاجرمی، حسین، ۱۳۸۵ش، «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی - اجتماعی در کلان شهر تهران»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ش ۲۳.
۲۴. فیلد، جان، ۱۳۸۶ش، *سرمایه اجتماعی*، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، تهران: کویر.
۲۵. قمی، عباس، بی تا، *سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار*، بیروت: دارالمرتضی.
۲۶. کلینی، محمدبن یعقوب، بی تا، *اصول کافی*، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۷۱ش، *بحار الانوار*، تهران: مکتبه الاسلامیه.
۲۸. معین، محمد، ۱۳۶۱ش، *فرهنگ فارسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۹. موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۳۷۹ش، *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام خمینی علیه السلام.
۳۰. ناطق پور، محمدجواد، فیروزآبادی، سیداحمد، ۱۳۸۵ش، «شکل گیری سرمایه

اجتماعی و فراتحلیل عوامل موثر بر آن»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۸.
 ۳۱. نظریور، محمدتقی، ۱۳۸۰ش، «بازار»، دانشنامه امام علی علیه السلام، تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ب. انگلیسی

1. Arrow, K. 2000, "Observations on Social Capital", Washington D.C.: The World Bank.
2. Adler, P. S. & Kwon, S. 2002, "Social Capital: Prospects for a New Concept", *Academy of Management Review*, 27 (1).
3. Fukuyama, F. 2002, "Social Capital and Developments, The Coming Agenda, *SIAS Review*.
4. Gelauff, G. 2003, "Social Capital an Indispensible Asset in the Knowledge, Based Economic, University of Tilburg.
5. Grier, K.B. & Tullock, G. 1989, "An Empirical Analysis of Cross-National Economic Growth, 1951 - 80", *Journal of Monetary of Economics*.
6. Grootaert, C. & Thierry, V.B (eds.), 2002, "understanding and measuring social capital. A multidisciplinary for practitioners", The Word Bank.
7. Grootaert, C. & Van-Bastelaert 2002, "Understanding and Measuring Social Capital: A Multidisciplinary Tool for Practitioners", The world Bank.
8. Gusie, L. Sapienza, P. & Zigales L. 2004, "The Role of Social Capital in Financial Development" , *The American Economic Review*, Vol. 94, No. 3. (Jun., 2004).
9. Hjerpe, R. 2003, "Social Capital and Economic Growth, Revisited" , VATT- discussion paper No. 307, Government Institute for Economic Research Finland.
10. Hong, H. & Stein, J.C. 2001, "Social Interaction and Stock Market

- Participation”, NBER Working Paper No.8358.
11. Kormendi, R.C. & Meguire, P.G. 1985, “Macroeconomic Determinants of Growth”, Journal of Economic Monetary Economics.
 12. Knack, S. 2002, “Social Capital, Growth and Poverty: a Survey of Cross-Country Evidence. In The Role of Social Capital in Development”, ed. By Grootaert and Van Bastelaar, Cambridge University Press.
 13. Knack, S. & Keefer, PH. 1997, “Does Social Capital Have an Economic Pay off? A Cross- Country Investigation”, Quarterly Journal of Economics.
 14. la porta, R. Lopez-de-Silanes, F. Shleifer, A. & Vishny, R. 1997, “Trust in Large Organizations”, in Social Capital: A Multifaceted Perspective, ed. Dasgupta and Serageldin, The World Bank.
 15. Putnam, R. D. 1993 “The Prosperous Community: Social Capital and Public Life” , The American Prospect, no 13.
 16. Solow, R.M. 2000, “Notes on Social Capital”, Washington D.C. The World Bank.
 17. Stiglitz, J.E. 2000, Formal and Informal Institutions” , in Social Capital: A Multifaceted Perspective, ed. By p. Dasgupta and I. Serageldin. The world Bank, Washington D.C.
 18. Uphoff, N. 2000, “Understanding Social Capital: Learning form the Analysis and Experience of Participation, in Social capital: A Mutifaceted Perspective”, ed. P. Dasgupta and I. Serageldin, The World Bank.
 19. Woolcock, M. and Narayan, D. 2000, “social capital: implications for development theory, research and policy”, The World Bank Research Observer, vol.15, no.2.